دریچه

فیلمی از نشنال جیوگرافیک

«آتش عشق» پرفروش‌ترین مستند سال شد

همدلی| «آتش عشـــق» با عبور از فروش یک میلیون دلاری در گیشه‌های جهان، عنوان پرفروش‌ترین مستند سال ۲۰۲۲ را از آن خود کرد. به نقل از ددلاین، «آتش عشق» ساخته سارا دوسا متعلق به نشنال جیوگرافیک در آخر هفته‌ای که گذشت فروشش را از مرز یک میلیون دلار هم فراتر برد و موفق‌ترین مستند سال شد. این فیلم که تابستان امسال اکرانش را شـــروع کرد با آغاز هفته جدیـــد وارد نهمین هفته اکران خود می‌شـــود و اواخر امسال در دیزنی پلاس پخش می‌شود.این مستند اولین بار در ســـاندنس پخش شـــد و جایزه تدوین را دریافت کرد و پس‌ازآن نشـــنال جیوگرافیک حقوق آن را خرید. در ایـــن فیلـــم زندگی و کار کاتیـــا و موریس کرافت ۲ آتشفشان‌شناس فرانسوی از طریق تصاویر نادر آرشیوی آن‌ها تصویر شـــده است. این زوج در نهایت با فوران کوه آتشفشانی «آنزین» در سال ۱۹۹۱ در ژاپن جان باختند. نتفلیکس، آمازون، ســـونی، یونیورسال و پارامونت همه خواهان به دست آوردن حقوق پخش این فیلم بودند که در نهایت نشنال جیوگرافیک این موفقیت را کسب کرد. برخی از دیدنی‌ترین تصاویر ثبت شده از بزرگ‌ترین شور زندگی این ۲ محقق بی‌باک یعنی آتشفشـــان‌ها در این فیلم به اشتراک گذاشته شده است.کاترین که در رشته فیزیک و شیمی تحصیل کرده بود در زمان مرگ ۴۹ساله و همسرش موریس که فارغ‌التحصیل رشته زمین‌شناسی بود ۴۵ساله بودند. این دو به دلیل فیلم‌برداری، عکاسی و ضبط مشخصات آتشفشان‌ها که اغلب از فاصله چندم‌تری صورت می‌گرفت شناخته‌شده بودند. ورنر هرتسوگ نیز پیشتر با مستند «در دل آتشفشـــان» به زندگی آن‌ها پرداخته اســـت.نئون که در توزیع این مستند با نشنال جیوگرافیک شریک است قبلا هم با این کمپانی مشهور همکاری کرده که اکران مســـتند «کووید؛ موج اول» اثر متیو هاینمن در سال ۲۰۲۱ از جمله آن‌هاست.مستند «آتش عشق» محصول ۲۰۲۲ و آمریکایی-کانادایی است که نویسندگی، کارگردانی و تهیه آن را سارا دوسا برعهده داشته اســـت. این فیلم نقدهای مثبتی دریافت کرده و در ســـایت راتن تومیتوز بر مبنای نقدهای ۱۴۶ منتقد میانگین امتیاز۸.۳ را کسب کرده و ۹۹ درصد به آن رای مثبـــت داده‌اند. امتیاز ۸۳ از ۱۰۰ نیز امتیاز این فیلم در سایت متاکریتیک از نظر ۳۷ منتقد است.

در نشستی خبری مطرح شد

توقع برگزاری نمایشگاه در موزه عجیب است

همدلی| نشست عبادرضا اسلامی رئیس موزه هنرهای معاصر تهران با خبرنگاران حوزه هنرهای تجسمی به بهانه برگزاری نمایشگاه «مینیمالیسم و کانسپچوال آرت» دوشنبه ۱۴ شهریور در محل موزه برگزار شد.در این نشست، همچنین بهرنگ صمدزادگان کیوریتور نمایشـــگاه «مینیمالیسم و کانســـپچوال آرت» نیز حضور داشـــت که پس از پایان نشست، در قالب تور نمایشـــگاه‌گردی، به ارائه توضیحاتی برای خبرنگاران پرداخت.عبادرضا اسلامی رئیس موزه هنرهای معاصر تهران در ابتدای نشســـت، با اشاره به آنکه نمایشگاه دارای ویژگی مهمی از جمله پاســـخ به پرســـش‌های پژوهشگران است، گفت: طبق طرحی که داشتیم آثار زیبای هنرمند جهانی برای نخســـتین بار به نمایش درآمده است. در واقع ۳۸ اثر جدید به نمایش گذاشته شده و این نمایشـــگاه دیدگاه هنری این جریان را به نمایش گذاشته اســـت. به اعتقاد من، مینیمالیسم‌ها جریان‌ساز و به قولی جنجالی بودند.بهرنگ صمدزادگان کیوریتور نمایشگاه «مینیمالیسم و کانسپچوال آرت» نیز در سخنانی گفت: اهمیت این نمایشگاه، خوراک مطالعاتی و دیداری است که برای نسل جدید و بعدی فراهم می‌کند. چراکه بار قبلی که نمایشگاهی کامل از گنجینه موزه برگزار شـــده، من دانشجو بودم و فکر می‌کنم که الان زمان مناســـبی برای برگزاری چنین رویـــدادی بود و جوانانی کـــه در این فاصله به جامعه هنری وارد شدند، این فرصت را نداشتند.او تاکید کرد: موزه هنرهای معاصر تهران می‌تواند مرکز گردهمایی جدی برای هنرمندان بدل شود و از سویی دیگر ما در دل هنر معاصر زندگی می‌کنیم و متأثر از جریان‌های معاصر هنری هستیم. بی‌تردید جریان مینیمالیسم، در چند دهه اخیر بســـیار تأثیرگذار بوده اســـت و در آغاز این جریان در ایران، تجربه‌های خام‌دســـتانه‌ای داشتیم که ممکن است با کمبود دانش تاریخ هنری بـــا تقلیدش مواجه بودیم اما برای اینکه بتوانیم کاری کنیم که هنر ما را جدی بگیرند، اســـتفاده از ظرفیت موزه است.صمدزادگان همچنین با انتقاد از کم‌کاری‌ها در حوزه تجســـمی بیان کرد: در حاشـــیه هیچ‌یک از گعده‌های هنـــری جهان، جایی برای هنر ایران وجود ندارد، چراکه ساختارهای زیربنایی و بنیادی خودش را نتوانســـته به یک موضع قابل اهمیت تبدیل کند و نسبت به جریانات هنری موضعی نداشتیم. امیدوارم تب کانســـپچوال آرت و مینیمالیســـم به یک جریان تأثیرگذار در ایران و به یک موضع انتقادی جهانی بدل شود.او همچنین بیان کرد: با دو جریانی طرف هستیم که در دهه شصت، یاغی و شورشی و انقلابی محسوب می‌شدند و بعد از آن، بر تمام جریانات هنری تأثیرگذار بوده است که بخشی از مجموعه‌های جهانی نیز نتیجه تأثیرگذاری این جریان است.

نادر مشایخی در گفت‌وگو با «همدلی»:

مسئله موسیقی شاد کردن مردم نیست

همدلی| علی نامجو: نادر مشایخی؛ آهنگساز نام‌آشنا و یکی از رهبران ارکستر برجسته ایران‌زمین اســـت که آثار ماندگاری را خلق کرده و در بزرگ‌ترین سالن‌های جهان به روی صحنه رفته است. او که فرزند استاد جمشید مشایخی، هنرمند فقید و نامدار سینماست، خود چهره‌ای قابل‌اعتنا در موسیقی کلاسیک ایران محســـوب می‌شود که سال‌ها رهبری ارکســـترهای مختلفی ازجمله ارکســـتر سمفونیک تهران را بر عهده داشته است. پس از روی کار آمدن دولت سیزدهم شعارهایی مبنی بر حمایت از فرهنگ و هنر ســـر داده شـــد اما طی یک سالی که از عمر این دولت می‌گذرد، نه‌فقط در حوزه موســـیقی که در گونه‌های مختلف هنری اغلب دست‌اندرکاران از بی‌توجهی دولت و مدیرانش به هنر سخن می‌گویند. به همین بهانه به ســـراغ یکی از نامداران حوزه موسیقی رفتیم تا از او درباره این چالش بپرسیم. گفت‌وگو با نادر مشایخی را از انتقـــادات هم‌نوایانش آغاز کردیم و به تغییراتی که در فرم اجرای کنسرت به وجود آورده، رسیدیم. شرح این گفت‌وگو را در ادامه بخوانید:

◄ از دیربـــاز انتقاداتی از ســـوی فعالان در ارکسترها مطرح بوده است. با توجه به این‌که دولت کنونی دســـت‌کم در شعارهایش بر حمایت از فرهنگ و هنر تأکید دارد، انتظار از دولتمردان در این حوزه در مقایسه با قبل بیشتر می‌شود. این‌طور نیست؟

البته در طول چند ســـال گذشـــته، فعالیت‌های ارکسترهای خصوصی به‌مراتب بیشتر شده است و حتی آن‌ها فســـتیوال‌های خصوصی هم برگزار می‌کنند که البته نتیجه حمایت دولت‌ها نیست. این مســـئله درواقع نتیجه‌ای از یک رخداد خیلی استثنایی از اتفاقی بوده که در ایران در حال وقوع است و آن‌هم کشـــف فردیت است؛ یعنی جوانان در حال کشف فردیت هستند. این موضوع خیلی جالب اســـت چون چندین نتیجه مختلف ازنظر اجتماعی دارد. یکی این‌که دیگر آن قضیه منیت در جوانان در حال از بین رفتن اســـت. یک سری این اواخر نام استاد و اسم‌های این‌چنینی بر روی خود می‌گذارند. برای من عجیب است که یک نفر چگونه دارای چنین منیتی است که روی پلاکارد می‌نویســـد پروفسور یا دکتر. پس باید بگوییم باخ هم دکتر بوده و بتهوون هم باید می‌نوشـــته دکتر که این اتفاق بســـیار بدی است. این آدم نمی‌داند که جوانان فردیت را کشف کرده‌اند و منیت دیگر رنگ‌باخته‌است.

◄ این کشف فردیت می‌تواند به حصول نتیجه برای اهالی موسیقی منجر شود؟

«ســـاید افکتی» که قضیه فردیت دارد، این است که تحمل جوانان نســـبت به مسائلی که مخالف حرف خودشان است، زیادتر می‌شود که این شروع دموکراسی است. این‌که ما بتوانیم تحمل کنیم و کنار هم بنشینیم. مثلاً انتخابات برگزار شده و یک نفر رأی آورده، بقیه که فرد دیگری را انتخاب کردند باید تمام تمرکزشان را روی این مطلب بگذارند که حالا اکثریتی در ایران این شخص را انتخاب کرده‌اند و ما هم تبعیت می‌کنیم. همان‌طور که گفتم این شروع دموکراســـی است. این‌که شما قضیه‌ای که اکثریت قبول کرده را بپذیرید و ســـعی کنید در آن راه‌کار کنید. این موضوع را یواش‌یواش جوان‌ها دارند یاد می‌گیرند و این تأثیر را روی ارکســـترها هم می‌گذارند چون منشی که افراد ارکستر دارند با منشی که مثلاً آنسامبل یا سولیست دارد، کاملاً متفاوت اســـت. شما باید یاد بگیرید که چگونه در ارکســـتر رفتار کنید. ارکســـتر یک جامعه بسیار کوچک است ولی دانه‌دانه افرادش از اقشار مختلف آمده‌اند و تا وقتی یاد نگیرند که هماهنگی و وحدت به وجود بیاید، این ارکستر خوب صدا نمی‌دهد.

◄ شما به‌عنوان یک موسیقی‌دان و یک رهبر ارکستر با چه مشـــکلاتی برای اجرا روبرو هستید؟

ارکســـتر نمونه‌ای از یادگیری وحدت اســـت. این وحدت فقـــط وقتی به وجـــود می‌آید که فردیت قـــدرت پیدا کند. وقتی فردیت جوانان قدرت پیدا کند، وحدت هم ایجاد می‌شـــود. به این خاطر که تحملشان نسبت به همدیگر زیاد می‌شود. این خیلی خوب است و نشان‌دهنده نیازی است که جوانان به وحدت دارند. جوانان ایرانی این وحدت را کشـــف کردند و به بهترین نحو دارند نمایش می‌دهند. ما ارکستری داریم که متجاوز از پنجاه نفر آدم در آن کار می‌کنند. آن‌ها به‌جاهایی احتیاج دارند که در آن تمرین کنند. جای تمرین در تهران، کم است. ما داریم می‌گردیم که یکجا پیدا کنیم تا تمرین داشته باشیم. این موضوع باید درست شود و نیاز به یک آسیب‌شناسی در کار ارکستر دارد. مسئله دوم این اســـت که ما احتیاج داریم که سازهای مختلف را بخریم. دولت به‌سادگی می‌تواند به ارکسترها کمک کند. سازها گران هم در از آب درنمی‌آیند و خیلی ارزان تمام می‌شوند. دولت می‌تواند سازهای ضربی مهم را برای نوازندگان بخرد و در اختیارشان بگذارد یا اصلاً به آن‌ها اجاره دهد؛ یعنی امکانی باشد که شما بتوانید سازها را اجاره کنید.

◄ جوانانی که در حال حاضر مشغول فعالیت در عرصه موســـیقی ارکســـترال هستند، چنین پتانسیلی را دارند که بتوان روی آن‌ها سرمایه‌گذاری کرد؟

بچه‌هایی که در ارکســـترها هستند باید قضایای تکنیکـــی را یـــاد بگیرند، یعنی بفهمنـــد که اگر تمرین فرضاً ساعت ۹:۳۰ آغاز می‌شود، باید ۹:۱۵ با ساز کوک شـــده و آماده منتظر باشند که رهبر بیاید. زمان دیگر یک زمان شـــخصی نیست بلکه یک زمان اجتماعی و مشـــخص است. این مطلب هـــم یواش‌یواش رنگ پیدا می‌کند چون اگر رهبر ارکستر عاقل باشد آن منیت خود را کنار می‌گذارد و می‌تواند کاری کند که نوازنده‌ها این ارکستر را از خودشان بدانند و بدانند شخصی که آنجا ویولن به دست نشسته چه در ردیف اول و چه در ردیف آخر به یک اندازه مهم هستند. این‌ها یک‌صدا هستند. دوازده ویولـــن، دوازده نفر هســـتند ولی یک‌صدا ایجاد می‌کنند. این موضوع فنی است اما اهمیت زیادی دارد. ما حداقل در این‌طور ارکسترها داریم این موضوع تجربه می‌کنیم و تجربه خیلی خوبی هم داشـــته‌ایم. من واقعاً از کار با جوانان مســـرور هستم. وقتی می‌بینم چه قدر بااستعداد و با قریحه هســـتند و ابتکار عمل دارند، خوشحال می‌شوم. وقتی می‌نشـــینیم و صحبت می‌کنیم هرکدام از این جوانان، یک کار را قبول می‌کنند و هر چه که می‌گویم آن را یادداشت می‌کنند. این یک نوع دقت و نظم است که همیشه ما با آن در ارکستر سمفونیک به‌عنوان یک چالش دست‌به‌گریبان بودیم. همیشه دغدغه داشـــتیم که چه قدر بی‌نظم هســـتند و اصلاً انگیزه‌ای وجود نداشت. الآن در ارکسترهای خصوصی این انگیزه‌ها به وجود آمده است.

◄ در این میان چه نقشـــی برای دولت قائل هستید؟

چندین راه هســـت که دولت بتواند حمایت کند. راه‌های زیادی وجود دارند که شهرداری و دولت به این ارکسترها کمک کنند. نتایجی که ارکسترهای خصوصی به دســـت می‌دهند به‌مراتب بیشتر از نتایجی است که ارکستر سمفونیک دارد. ارکستر سمفونیک در حال حاضر خیلی خوب است، برنامه اجرا می‌کند و مردم را شـــاد می‌کند ولی مسئله موسیقی اصلاً شاد کردن مردم نیست. این‌که مردم را شـــاد می‌کنید درواقع یک مسکن است. مسئله موسیقی این است که دقت در مشاهده را در آدم‌ها بیشـــتر کند و این امکان را به آدم‌ها بدهد که در مشاهده، دقت بیشـــتری کنند. در صورتی مردم زندگی خوشبخت‌تری خواهند داشت که دقت و مشاهده کنند. برایم تعجب‌آور است که در خیابان می‌بینم یک سری آدم با گوشی راه می‌روند، گاهی با دوستشان حرف می‌زنند و موزیک هم می‌شنوند. آن‌ها هنوز شنیدن را به‌عنوان یک اکتیویته قبول نکرده‌اند. این کار را ارکسترها می‌توانند به بهترین نحو انجام دهند. اگر شما می‌خواهید انگیزه‌ای برای فردیت در جوانان ایجاد کنید، بهترین فرمش این است که موسیقی‌هایی اجرا کنید که جوانان هنوز نشنیده‌اند و امکانش را نداشته‌اند که بشنوند. آن‌ها مقابل یک نوع موسیقی قرار می‌گیرند که چارچوب و قراردادی برایش از قبل مشـــخص نشده است. درنتیجه خود آن فرد باید این کار را انجام دهد. آن فرد با تفسیر چیزی که می‌شنود و برایش عجیب اســـت، فردیتش تربیت می‌شود. این روش خیلی خوبی اســـت که در اروپا هم به نتایج خیلی خوبی رسیده است.

◄ برخی معتقدند موســـیقی ارکســـترال موردپســـند جامعه جوان نیســـت و طیف محدودی از مخاطب میان‌ســـال و مسن را شامل می‌شود. شـــما دراین‌باره چه نظری دارید؟

من اصلاً موافق نیستم که یک کنسرتی بدهیم و رپرتـــواری هم اجرا کنیم. مثلاً یک بتهوون بزنیم، یـــک موتزارت بزنیـــم و ... این‌جـــور رپرتوار دیگر جواب نمی‌دهد و در اروپا هم دیگر جوابگو نیست. ارکسترهایی که در ایران این کار را می‌کنند اطلاع ندارند که دوران این نوع کنسرت‌ها گذشته است. من ۱۰،۱۵ سال پیش در اروپا کنسرت می‌گذاشتم. عکس‌هایش موجود اســـت که وقتی از پشت نگاه می‌کنید، می‌بینید همه موها سفید و جوگندمی اســـت؛ یعنی جوان کمتری به کنســـرت ارکستر ســـمفونیک می‌رود چون این موسیقی دیگر برای جوان‌ها جالب نبود؛ بنابراین ســـعی کردم رپرتوار جدید بیاورم و کنسرت‌های متفاوتی بگذارم. من تمرکز اصلی‌ام را روی این کار گذاشته‌ام. ۳۰سال است در کنســـرت‌هایی که اجرا می‌کنم اصلاً فرم کنسرت را تغییر می‌دهم. شما اگر به ارکستری که من هم‌اکنون رهبـــری‌اش را به عهده دارم بیایید، می‌بینید که با ارکسترهای دیگر فرق دارد. دنبال این می‌گردیم که چه فرمی برای ایرانی‌ها و مکانیزم ذهنی-تفکری که در ایران داریم، می‌شود کار کرد.

مجتبی رستمی‌فر؛ کارگردان «ژولیوس سزار»:

حمایت از تئاتر شهرستان در حد شعار است

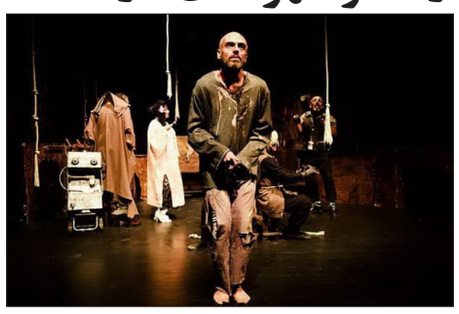

همدلی| کارگردان «مرثیه‌ای بر مرگ ژولیوس ســـزار و چند مرغ از سیمرغ» که در تماشاخانه ایرانشهر به صحنه رفته درباره ویژگی‌های نمایش و حاشیه‌هایی که برای اجرای کار به وجود آمده بود، توضیحاتی ارائه داد.مجتبی رستمی فر کارگردان نمایش «مرثیه‌ای بر مرگ ژولیوس سزار و چند مرغ از سیمرغ» که بعد از حاشیه‌های فراوان بالاخره از چند روز قبل اجرای خود را در تماشـــاخانه ایرانشهر آغاز کرده است، گفت: بعد از لغو اجرای ما در ســـالن اصلی تئاتر شهر و بداخلاقی‌هایی که از مجموعه دیدیم نمایش توانست با همکاری تماشاخانه ایرانشهر در این مجموعه اجرا بگیرد. بـــا توجه به تجربه قبلی که برای اجرای نمایش «تاکســـیدرمی» در تالار مولوی داشتم تصورم این بود که روال کار به همان ترتیب اســـت چون به دلیل اینکه گروه من ساکن اهواز هستند ما بعد از گرفتن مجوز متن، فیلم نمایش را برای شورای نظارت ارسال کردیـــم و بعد از بازبینی و گرفتن مجوز، یـــک روز قبل از آغاز اجرای عمومـــی بازبینی زنده رفتیم. زمانی هم که فیلم کار را ارائه دادم تعهد داده بودم که بر اســـاس همان فیلم اجرا خواهم رفت. برای اجرای این نمایش هم همان روند را در پیش گرفتیم که متأسفانه اتفاقات دیگری افتاد و مدیریت تئاترشهر بدون اطلاع دادن به گروه، نمایش دیگری را جایگزین کار کرد و دلیلش را هم طولانی شـــدن روند دریافت مجوز عنوان کرده بود.او ادامه داد: البته در نهایت من دلیل این‌همه فشـــار و حساسیت‌های بی‌مورد درباره این نمایش را درک نکردم. در ادامه من همان فیلم اجرای جشنواره را برای بررسی به تماشاخانه ایرانشهر ارائه دادم که همین‌جا از مدیریت و پرســـنل این مجموعه برای همراهی با گروه سپاسگزاری می‌کنم. تماشاخانه ایرانشهر با توجه به اتفاقاتی که افتاده بود یک بازه زمانی برای آماده‌سازی نمایش برای ما در نظر گرفت و در نهایت قرار شد کار از ۶ تا ۳۱شهریور در سالن ناظرزاده کرمانی به صحنه برود. رستمی فر درباره دیر باز شدن صفحه فروش بلیت نمایش توضیح داد: برای اجرا در ایرانشـــهر، شورای نظارت به‌صورت حضوری کار را دیدند و یکی دو مورد اصلاحی را به کار وارد کردند که درباره‌اش صحبت کردیم و حل شد. در نهایت برای ما آرزوی موفقیت کردند و به ما گفتند که می‌توانید صفحه فروش بلیت نمایش را باز کنید که ما نیز این کار را انجام دادیم؛ اما باید از طرف اداره کل هنرهای نمایشی دستور باز شدن فروش بلیت به تیوال اعلام شود و دیگر دست گروه نیست.

رستمی‌فر گفت: این فرایند همان روز انجام نشد که البته مسئله مهمی نبـــود و با یک تماس تلفنی یا یک ایمیل از طـــرف نماینده اداره کل هنرهای نمایشی به ســـایت تیوال حل‌شدنی بود اما چون با تعطیلی آخر هفته روبرو شـــدیم سایت فروش بلیت باز نشد تا اینکه روز شنبه ۵شهریورماه من دوباره به اداره کل هنرهای نمایشی مراجعه کردم و بعد از امضای دوباره مواردی که باید در اجرا اصلاح می‌شد، قرار شد سامانه فروش بلیت باز شـــود که این اتفاق تا ساعت ۱۱شب امکان‌پذیر نشد درحالی‌که روز بعدش ۶شهریور اولین اجرای نمایش بود و من تازه اجازه تبلیغات گرفته بودم.این کارگردان خوزســـتانی با گلایه از اینکه چون گروه نمایش از فاصله دوری برای اجرا به پایتخت آمده بودند، می‌شد تعامل بهتری برای اجرای نمایش با آن‌ها صورت گیرد، بیان کرد: گلایه من این است آیا وقتی شرایط گروه من را می‌بینند و اینکه من ۴۰نفر آدم را از اهـــواز به تهـــران آوردم که حاصلش هزینه‌های خیلی زیادی مانند خرج رفت‌وآمد و خوردوخوراک، گرفتن پانسیون و هزینه حمل دکور نمایش که با کامیون ۱۸چرخ به تهران منتقل‌شده و بسیاری از هزینه‌های جانبی دیگر می‌شود، برداشته شدن چنین موانعی از جلوی پای گروه می‌تواند تااندازه‌ای استرس را از روی دوش بچه‌ها بردارد. اولین اجرای ما در ایرانشهر در واقع اجرای ژنرال نمایش محسوب می‌شد که البته همین تعداد محدود تماشاگران هم از دیدن کار راضی بودند اما با توجه به هزینه‌هایی که متحمل شدم یک روز هم برای من یک روز اســـت و چه‌بسا اگر من می‌توانستم از یک هفته قبل بلیت‌فروشی‌ام را باز و تبلیغات نمایش را شـــروع کنم از همان روز اول می‌شد مخاطبان زیادتری را به سالن بکشانم و کار با تبلیغ دهان‌به‌دهان تماشاگر بیشتر فـــروش می‌کرد چون با این هزینه‌های سرســـام‌آور ما امکان تبلیغات کمی برای نمایش داریم.رستمی‌فر متذکر شد: مگر چقدر این امکان برای تئاتر شهرستان‌ها فراهم می‌شود که گروهی نمایشش را در تهران اجرای عمومی ببرد آن‌هم نمایشی که برگزیده جشنواره تئاتر فجر شده است. این اتفاق نیاز به همراهی مسئولان اداره کل هنرهای نمایشی و حتی مسئولان استان خوزستان دارد. با توجه به شعار حمایت از تئاتر استان‌ها، ما نیاز به همراهی و رفع موانع داریم. گروه من به‌عنوان نماینده تئاتر استان‌ها به پایتخت آمده است آیا اداره کل هنرهای نمایشی در شهر به این بزرگی نمی‌توانند محلی برای اسکان بچه‌ها فراهم کند. ما که از آن‌ها هتل ۵ ستاره نخواستیم بلکه تنها انتظار یک جای خواب و یک وعده غذایی داریم. کارگردان «تاکسیدرمی» با اشاره به شعار حمایت از تئاتر استان‌ها که چند سالی است روی آن مانور داده می‌شود، گفت: وقتی شـــعاری را مطرح می‌کنیم باید همه جوانبش را در نظر بگیریم وگرنه در نهایت تبدیل می‌شود به شعاری که هیچ سودی برای کسی نخواهد داشت و به ســـرخوردگی و خستگی گروه می‌انجامد. من اگر همین فشارها بخواهد ادامه پیدا کند دیگر سمت تئاتر نخواهم آمد. مگر چقدر می‌توانم از جیب خودم، خانواده‌ام و بســـیاری موارد دیگر هزینه کنم و در نهایت هم بیلان کاری‌اش برای کســـانی که شعار حمایت از تئاتر شهرستان‌ها را داده‌اند؛ حساب شود. حداقل انتظاری که ما داشتیم این بود که یک خیرمقدم از مسئولان تئاتر دریافت کنیم تا دل‌خوشی باشد برای این ۴۰جوانانی که از یک شهر دور برای اجرا به تهران آمده‌اند. او درباره ویژگی‌های این اثر نمایشی متذکر شد: این نمایش اقتباسی از «ژولیوس سزار» و «منطق‌الطیر؛ حکایت سیمرغ» عطار است. وقتی اقتباسی از ادبیات کلاسیک و کهن خارجی و ایرانی صورت می‌گیرد این ریســـک هم وجود دارد که چقدر از مخاطبان نمایش با این داستان‌ها آشنا هستند ازاین‌رو باید همه تماشاگران را در نظر گرفت. من از همان ابتدا می‌دانســـتم برای روایت این دو داستان که یکی از آن‌ها از ادبیات کهن ایرانی و دیگری از ادبیات کلاســـیک غرب نشـــأت می‌گیرد باید در فرم، رنگ، موســـیقی و دکور نمایـــش از جلوه‌های بصری نیز بهره بگیرم و برای مخاطب جذابیت‌هایی ایجاد کنم تا همین ویژگی‌ها باعث شـــود تماشاگری که مثلاً «حکایت سیمرغ» را نخوانده بعد از اجرا در ذهنش علامت سوال‌هایی شکل بگیرد و برود داستان را بخواند چون در نهایت رسالت من هنرمند فرهنگ‌سازی هم است.این کارگردان تئاتر خوزستانی یادآور شد: تلاش ما این بود که به معنای واقعی کلمه یک تئاتر روی صحنه ببریم و مطمئناً هر اثر نمایشی نقاط ضعف خودش را دارد و هر گروه خودش بیشتر از بقیه به نقاط ضعفش واقف است و نمایش من هم از این قاعده مستثنی نیست و مطمئناً این نمایش هم نقاط ضعف خودش را دارد. من در تلاش هســـتم برای فرهنگ‌سازی و اینکـــه نگاه‌های خاصی را که به تئاتر شهرســـتان‌ها وجود دارد، دور کنم و ثابت کنم می‌شـــود در استان‌ها هم نمایش‌هایی با پروداکشن بزرگ کار کرد. متأسفانه ما در استان خودمان سالن نمایش و امکانات نور و ســـخت‌افزاری و پلاتو نداریم اما با همه مشکلات و دغدغه‌هایی که داریم، تلاشـــمان را می‌کنیم اما اگر در زمان اجرای عمومی هم با مشـــکلاتی این‌چنینی روبرو باشـــیم دیگر چیزی جز یاس و ناامیدی برایمان نمی‌ماند.رســـتمی فر در پایان صحبت‌هایش اضافه کرد: من فرزند این آب‌وخاک هســـتم. ما در خوزستان ۸سال برای این مملکت جنگیدیم و هنوز بعدازاین همه‌سال با مشکلات بسیاری دست‌وپنجه نرم می‌کنیم. ما در ثروتمندترین استان کشور با بیشترین کمبود امکانات سر می‌کنیم. تنها دل‌خوشی امثال من به همین تئاتر کار کردن و استفاده از اســـتعدادی است که خداوند در اختیارمان قرار داده است اما در این راه نیاز به حمایت داریم. چون من نوعی با پشتوانه شعار حمایت از تئاتر استان‌ها نمایشم را برای اجرا در تهران ارائه کردم اما بااین‌همه مشکل مواجه شدم و در تأمین هزینه‌هایم مانده‌ام. اگر بخواهیم نمایش را تمدید کنیم یا کار را در ســـالن دیگری به صحنه ببریم دیگر از عهده مخارج گروه برنخواهم آمد.

رویداد

در افتتاحیه «درخت خاموش» در پردیس سینمایی چارسو اعلام شد

تحقق یک رویا در گروه سینمایی هنر و تجربه

همدلی| مراسم افتتاحیه فیلم سینمایی «درخت خاموش» محصول سینمای ایران و ترکیه با حضور سازندگان فیلم، اهالی رسانه، هنرمندان و شخصیت‌های فرهنگی توسط گروه سینمایی هنر و تجربه در پردیس سینمایی چارسو برگزار شـــد. به نقل از روابط عمومی فیلم، در ابتدای این مراسم و پیش از نمایش فیلم «درخت خاموش» علی نوری‌اسکویی تهیه‌کننده فیلم گفت: از حضور شـــما دوستانی که امروز در این جمع حضور دارید متشـــکرم و خوشحالم که بعد از ۴۳سال، می‌توانیم اولین اکران یک فیلم سینمایی ترکیه‌ای را روی پرده سینمای ایران داشته باشیم. همچنین از گروه هنر و تجربه تشکر می‌کنم که جسارت به خرج دادند و این فیلم را اکران کردند و این کارشـــان برایم قابل تقدیر است. او با اشـــاره به اهمیت نمایش آثار سینمایی در کشورهای دیگر، افزود: من اعتقاد دارم همان‌طور که فیلم‌های سینمای ایران برای ما عزیز هستند و دوست داریم مردم کشورهای دیگر آن‌ها را ببینند، فیلم‌سازان کشورهای دیگر هم خواستار چنین تجربه‌ای هســـتند. این جریان مانند خونی است که با تپش در حرکت اســـت و اگر سینما یکجا بماند موجب مرگ و انحطاطش می‌شـــود. همان‌طور که دوســـت داریم آثار سینمایی ایرانی در دنیادیده بشود، نیاز داریم فیلم‌های سینمایی دنیا را هم در کشورمان ببینیم.او با تشکر از عوامل فیلم «درخت خاموش» گفت: باید از مصطفی خرقه‌پوش تدوینگر فیلم، مجید شیخ‌انصاری که متواضعانه مشاور هنری ایـــن فیلم بود و مجید مجیدی که پدرانـــه در کنار ما بود تشکر ویژه‌ای بکنم.در ادامه «فایسال سویسال»، کارگردان ترکیه‌ای فیلم گفت: من از ســـال ۲۰۰۳ که به ایران آمدم تا فوق‌لیسانس ســـینما بخوانم، رویایی داشتم که فیلمی بســـازم که روبه‌روی تماشـــاگران نجیب ایران نمایش داده بشـــود. اکنون بعد از ۱۸سال این فیلم ساخته شد و رویای من به حقیقت پیوســـت. بسیار خوشحالم که این فیلم که تولید مشـــترک ایران و ترکیه است، در محافل بین‌المللی نیز جوایزی کسب کرده است.این کارگردان ادامه داد: مردم ایران و ترکیه فرهنگ و اعتقادات مشـــترکی دارند و با این دیدگاه مشترک، فیلم‌های بهتر و قوی‌تری می‌توان ساخت. امیدوارم این همکاری مشـــترک به این فیلم ختم نشود و ادامه‌دار باشد.در ادامه، «کوبرا کیپ»، بازیگر نقش مکمل زن فیلم سینمایی «درخت خاموش» گفت: خوشحالم که اینجا هستم و این اولین‌بار است که به ایران می‌آیم و این فیلم را اینجا در کنار شـــما می‌بینم. امیدوارم از آن خوشتان بیاید. همچنین سردار اورچین، بازیگر این فیلم گفت: خوشحالم که اینجا در کنار شما هستم و این فیلم را با شما می‌بینم. ایران کشوری است که فرهنگ و ادبیات غنی و تجربه‌های دیرین دارد و از این همکاری میان دو کشور بسیار خوشحالم.«دریا اورس»، سفیر ترکیه در ایران هم در این مراسم گفت: حضور شما در این سالن سینمایی برای ما خوشحال‌کننده است. من امشب را به عنوان شـــبی ویژه به یاد خواهم داشت. از همه عوامل و دوستانی که از فیلم حمایت کردند ممنونم و امیدوارم بعدازاین هم در ادامه فعالیت‌های فرهنگی مشترک ایران و ترکیه آثار جدیدی داشته باشیم و قدر و قیمت این دوستی و برادری دوطرفه را بدانیم.در این مراسم، چهره‌هایی همچون مجید مجیدی، علیرضا تابش، هوشنگ گلمگانی، عباس یاری، کامران رســـول‌زاده، اتابک نـــادری، مرتضی علی‌عباس‌میرزایی، رائد فریدزاده، ستاره حیدرآبادی و جمعی از اهالی رسانه ایرانی و ترک در این مراسم حضور داشتند. اکران فیلم سینمایی «درخت خاموش» از روز یکشنه ۱۳ شهریور در گروه سینمایی هنر و تجربه آغازشده و قرار است نشســـت نقد و بررســـی این فیلم روز دوشنبه ۱۴ شهریور ساعت ۱۸ در پردیس سینمایی چارسو با حضور سازندگان فیلم برگزار بشود.

هم‌زمان با آغاز پیش‌فروش نمایش

پوستر «آقای اشمیت کیه؟» منتشر شد

همدلی| پوســـتر نمایش «آقای اشمیت کیه؟» به کارگردانی سهراب سلیمی هم‌زمان با آغاز پیش‌فروش نمایش منتشر شد.به نقل از روابط‌عمومـــی نمایش، پوســـتر نمایـــش «آقای اشمیت کیه؟» با طراحی ابراهیمی حقیقی منتشر شـــد.این نمایش نوشته «سباســـتین تِیری» با ترجمه شهلا حائری و کارگردانی سهراب سلیمی است که از دوشنبه ۱۴شهریورماه ساعت ۱۹ در سالن استاد سمندریان تماشاخانه ایرانشهر به صحنه خواهد آمد.ایرج راد هنرمند و بازیگر باســـابقه و همچنین شهره رعایتی، میثم رازفر و محمد کرمی بازیگران نمایش «آقای اشمیت کیه؟» هستند. در خلاصه داستان نمایش آمده: آقا و خانم قوچی، مبهوت و وحشت‌زده به دنبال اثبات هویت گم‌شده خود هستند. حقیقت کجاست؟! به‌راستی آقای اشـــمیت کیســـت؟! دیگر عوامل این اثر نمایشـــی عبارتند از:طراح صحنه: امیرحسین قدسی، موسیقی: صبا علی‌زاده، طراح پوســـتر و بروشور: ابراهیم حقیقی، طراح لباس: شـــهره رعایتی، منشی صحنه: بنفشـــه گودرزی، مدیر صحنه: سیامک مجیدی، دستیار مدیر صحنه: پرهام رفعتی، دستیار طراح صحنه: فرشید جعفری، عکاس: عماد دولتی، مشاور رسانه و تبلیغات: شقایق فرشته.علاقه‌مندان می‌توانند بلیت نمایش را از سایت تیوال تهیه کنند.